سال دوازدهم/ پاییز ۱۴۰۲

تلویزیون و برساخت معنایی کنشگری زنان در تاریخ سیاسی معاصر ایران

• مریم متقی[۱]، عاصمه قاسمی[۲]، تهمینه شاوردی[۳]

تاریخ دریافت:۰۲/۶/۲۵، تاریخ دریافت:۰۲/۷/۶
DOR: 20.1001.1.38552322.1402.12.48.6.9

چکیده

رسانه ها در دنیای امروز تبدیل به مهمترین ابزار در خلق و انتقال معنا شده اند. تلویزیون به عنوان یکی از مهمترین کارگزاران جامعه پذیری، مجرایی برای بازنمایی ارزش های فرهنگی اجتماعی و سیاسی جوامع است. پشت صحنه های ساده به نمایش درآمده در فیلمها و سریال های تلویزیون، نظامی از نشانه ها و رمزگان قرار دارد که معنا را ساخته و منتقل می کند و بر این اساس مخاطب در مواجهه با، بازنمایاندن واقعیت توسط رسانه قرار می گیرد. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش زنان در تاریخ سیاسی معاصر ایران با تحلیل چند سریال پر مخاطب تلویزیون بعد از انقلاب اسلامی است. با استفاده از روش نشانه شناسی جان فیسک، چهار سریال تلویزیونی ، در ۴ دهه پس از انقلاب اسلامی برای مطالعه معناسازی تلویزیون از کنشگری اجتماعی سیاسی زنان در تاریخ معاصرمورد بررسی قرار گرفته است. یافته های تحقیق نشان می دهد، ۱-رسانه تلویزیون پایگاه و طبقه اجتماعی و میزان سواد را به عنوان مهمترین عوامل موثر بر کنشگری سیاسی زنان نشان داده است.۲-هشیاری، آگاهی، مقاومت و ایستادگی زنان و حتی طغیان و عصیان، در مقابل عوامل داخلی و خارجی، حتی اگر همسرانشان باشند، زمانی که وطن به خطر می افتد، به خوبی در رسانه تلویزیون به تصویر کشیده شده است.۳- غلبه و تسلط ساختارهای اقتدار گرایانه مردان و بافت سنتی جامعه ایران نیز که یکی از مهمترین چالشها برای ورود زنان به عرصه های مختلف سیاست است، نیز در رسانه ملی به آن پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: تلویزیون، زنان، تاریخ سیاسی، برساخت معنا، نشانه شناسی

---

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و علوم اجتماعی ، واحد علوم وتحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. maryammottaghi@pnu.ac.ir

۲ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران (نویسنده مسئول)asemeh.ghasemi@srbiau.ac.ir

۳ دانشیار گروه پژوهشی جامعه‌شناسی، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران، shaverdi@acecr.ac.ir

مقدمه

رشد و توسعه رسانه‌های جمعی مانند رادیو، تلویزیون و ماهواره‌ها و توسعه رسانه‌های جدیدازسویی و از سوی دیگرگذار انسان از ارتباطات سنتی به ارتباطات تعاملی مدرن سبب شده است، دامنه نقش آفرینی و تاثیر گذاری رسانه‌ها در جریان وقایع و رویدادهای فراگیر سیاسی در جهان معاصری که ما در آن زندگی می کنیم، بیشتر از آنچه که تصور شود ذهن و عمل انسان جامعه معاصر را تحت تاثیر خود قرار دهد. گستره این تاثیر گذاری به نحوی است که اکنون نمیتوان زندگی انسان را به ویژه در قلمرو سیاسی بدون رسانه‌ها تصور، درک وتفسیر کرد. با توجه به گسترش اینترنت و رسانه های نوین و شبکه های اجتماعی، تلویزیون همچنان به عنوان یکی از رسانه های تاثیر گذار در جامعه شناخته می شود و برخی از کارکردهای اصلی آن همچنان وجود دارد.

تلویزیون از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود، که می‌تواند به عنوان منبعی در شکل دهی و تثبیت ساختار شخصیت افراد، موثر باشد. افراد و گروه‌ها همواره با توسل به اجزا و عناصر فرهنگی گوناگون، هویت وموقعیت خویش را می‌یابند. زیرا این اجزا و عناصر، توانایی چشمگیری در تامین نیازهای انسان به متمایز بودن و ادغام شدن در جمع دارند. در این رابطه نقش تلویزیون بطوربرجسته مورد نظر است. تلویزیون پاسخگوی نیازهای مختلفی برای انسانهاست و افراد بسیاری برای گذران زندگی، خود را نیازمند تلویزیون می‌دانند. به این ترتیب در اغلب موارد تلویزیون این توانایی را دارد که شیوه زندگی خاصی را به مخاطب منتقل کند (گیدنز، ۱۳۹۵: ۴۷۵).

رشد مشارکت سیاسی که توده‌های مردم را در تعیین سرنوشت خود درگیر می‌سازد، در عمل موجب تحقق زمینه‌های ثبات و پایداری نظام سیاسی می‌شود، اما طبیعی است در جامعه‌ای که افراد بلوغ سیاسی و بینش صحیح نسبت به مسائل نداشته باشند، نمی‌توانند در همه امور مشارکت لازم را داشته باشند. در این راستا برای تحقق اهداف توسعه‌گرایانه، هر جامعه، بایستی از تمامی منابع انسانی خود ازجمله نیروی محوری و بنیادی زنان بهره بگیرد. در این راستا می توان از رابطه‌ای متقابلی که میان توسعه یافتگی و میزان مشارکت افراد جامعه، به ویژه زنان وجود دارد سخن به میان آورد، که بیانگر این مطلب است که عدم مشارکت سیاسی افراد خصوصا زنان به عدم توسعه مطلوب در هر کشوری منجر خواهد شد (نیک گهر،۱۳۹۳: ۱۱).

گسترش ارتباطات جهانی و ظهور گفتمان های جنسیتی رقیب در عرصهٔ جهانی و رواج رویکردهـای فمینیستی متعدد با زاویهٔ دید متنوع، زمینهٔ بازاندیشی زنان را دربـارهٔ موقعیـت، جایگـاه و نقـش خـود فراهم نمود. در این عرصه، زنان ایرانی از این بازاندیشی بی بهره نبـوده و در مسـیر تجدیـد حیات فکـری خود گام‌های مؤثری برداشته‌اند و هر زمـان کـه گشـایش سـاختاری رخ داده اسـت، بـه مثابـه عـاملان اجتماعی به عرصه آمده اند. حضور گستردهٔ زنان در عرصهٔ آموزش عالی و سیر صعودی آن در دهـه‌های اخیر مصداق مهمی برای عاملیت زنان است (مراد نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۸۷). زنان ایرانی که از انقلاب مشروطه، نقش فعالی در حرکت‌های سیاسی و اجتماعی شروع کردند در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و به ثمر نشستن آن نیز نقشی به سزا ایفا کردند. اگرچه مشارکت سیاسی زنان تا پیش از انقلاب اسلامی کمتر در قالب جریانهای گسترده اجتماعی وجود داشته است لیکن زنان ایران همواره با کنشگری اجتماعی سیاسی خود در مقاطع مختلف تاریخ نقش آفرینی و تاثیر گذاری داشته اند.

با توجه به اهمیت سریال‌های تاریخی دهه های اخیر تلویزیون و پر مخاطب بودن آنها که در طول دهه‌های گذشته در تلویزیون تهیه و به نمایش گذاشته شده است، هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که آیا تلویزیون ملی ایران به عنوان رسانه ای عمومی و فراگیر توانسته نقش آفرینی زنان در امر سیاست را در تاریخ معاصر بازنمایی کند؟ و آیا در حالیکه در سریال‌های مهم تاریخی نقش آفرینی، بزرگ مردانی نظیر امیرکبیر، سردار ملی، کوچک خان جنگلی، شیخ فضل اله نوری، مدرس و غیره به تصویر کشیده شده است، آیا به واقعیت امر حضور زنان به همراه کنشگری سیاسی آنان در تاریخ سیاسی معاصر هم پرداخته شده است؟

مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

پیشینه پژوهش

حسینی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان "نحوه ی بازنمایی خانواده در سریال های تلویزیون ایران (مطالعه موردی سریال ستایش)" تلاش کرده است با استفاده ازروش تحلیل محتوای کمی و کیفی به این سوال پاسخ دهد که سریال ستایش چگونه خانواده را از حیث جمعیت، ساختار، روابط قدرت، تیپ شناسی، وظایف اعضای خانواده و... بازنمایی کرده است. ایشان در نتایج پژوهش خود توانستند به ارائه یک تیپ شناسی جامع نگر و کاربردی از خانواده که مرتبط با ارزش ها و هنجارهای اسلامی باشد، دست پیدا کنند. محمدی و همکاران(۱۴۰۰) در پژوهشی

با عنوان "تحلیل نشانه شناختی بازنمایی خانواده در سریال های تلویزیونی (مطالعه موردی سریال لحظه گرگ و میش"براین باور است که سریال ها می کوشند، معانی و پیام های خود را در سطوح فنی، اجتماعی و ایدئولوژیک رمزگذاری کنند. و تصویر خاصی از جهان اجتماعی ارائه دهند.این مقاله در پی به دست آوردن این هدف است که وضعیت خانواده در ایران بعد از انقلاب چگونه است.ایشان با استفاده از مدل نشانه شناختی جان فیسک در بررسی سریال« لحظه گرگ و میش» به این نتیجه دست پیدا کرد که :این سریال با کاربست انواع مختلف رمزگان سعی در دراماتیزه کردن سویه های عادی زندگی خانوادگی و آرمانی کردن خصایل پیشامدی آن دارد، تا شکلی از خانواده آرمانی را که غیر تاریخی و ماورایی است به منزله الگو معرفی کند. سیفی دپو کلایی(۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "بررسی انتقادی بازنمایی زن در سیمای جمهوری اسلامی ایران بر اساس تعالیم قران کریم" با هدف بررسی الگوی مناسب برای تصویر سازی زن و بازخوانی جایگاه انسانی زن در گفتمان اسلامی و اینکه سیمای جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه در تحقق این هدف موفق بوده است.ایشان با استفاده از روش تحلیل محتوا و همینطور روش تحقیق موضوعی قران به بررسی چند سریال پر مخاطب پرداخته است.نتایج به دست آمده نشان میدهد: آنجه از زن در این سریال ها بازنمایی شده است، توجه صرف به ویژگی های شخصیتی بدون در نظر گرفتن نقش های پویای مادری، همسری و همچنین تضعیف نهاد خانواده می باشد.محمدی و خالق پناه (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان"بازنمایی سریال های تلویزیونی و برساخت گفتمانی خانواده" در پی دستیابی به این هدف بوده است که در سریال های تلویزیونی ایرانی نهاد خانواده چگونه بازنمایی شده است. روابط بین گفتمانی چگونه است و این گفتمان ها به کدام فرایندهای نهادی و به کدام فرایندهای اجتماعی تعلق دارند.ایشان از روش تحلیل گفتمان انتقادی و از نظریات «نورمن فرکلاف» برای تحلیل سریال پر مخاطب« ستایش» استفاده کرده است. نتایج پژوهش نشان داد پیروزی گفتمان مذهبی در تقابل گفتمان دنیاگرایی و مذهبی و همینطور فرایند اجتماعی حاکی از تقابل طبقاتی دو طبقه سنتی و طبقه بورژوازی بازاری که با رجوع به گفتمان مذهبی از طریق متون گفتمانی برتری خود را به اثبات می رساند. نوری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "بازنمایی هویت ملی به عنوان امر سیاسی در مجموعه های تاریخی تلویزیون" با استفاده از نظریه های «بازنمایی استوارت هال» و نظریه «هژمونی گرامشی» و همچنین با استفاده از روش تحلیل محتوا در پی دستیابی به این هدف هستند که آیا تلویزیون

توانسته است به بازنمایی هویت ملی و ابعاد سیاسی آن در سریال های تاریخی بپردازد؟ نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد که قدرت سیاسی عنصری تعیین کننده در بازنمایی رسانه ای به شمار می رود و گفتمان سیاسی حاکم از طریق هژمونی مدنی در رسانه ها، فرایندی را ایجاد کرده است که منجر به بازنمایی ایدئولوژیک هویت ملی و ابعاد سیاسی آن شده است.

مبانی نظری

میدان مطالعهٔ کنشگری سیاسی زنان را می توان به یک سه ضلعی پیچیده تشبیه کرد که یک ضلع آن، زنان و خلقیات جنسیتی (سویه‌های جنسیتی اخلاق) آنها از جمله حس مراقبتی قوی و ترجیح دیگری بر خود است. ضلع دوم آن، فضای نابرابری عامّ جنسیتی است که در بسیاری از موارد اجازهٔ عاملیّت به آنها نمی‌دهد و ضلع سوم آن، عرصهٔ پیچیدهٔ سیاست است کـه امکان عاملیت و سوژگی را همانند عرصه‌های دیگر به زن نمی‌دهد (مرادنژاد و همکاران، ۱۴۰۱). البته لازم به ذکر است که در کنـار پیچیدگی‌های مطرح شـده، نباید از فرصت‌هایی که برای ورود زنان به عرصهٔ سیاست وجود دارد غافل شد که از جملهٔ آنها می‌توان به رشد فضای مجازی و قابلیت‌های آن و تحولات اجتماعی، فرهنگی و علمی صورت گرفته در سالهای اخیر، که ورود زنان را به عرصهٔ سیاست نسبت به گذشته آسان‌تر کرده است. در این میان کارکرد اساسی و بنیادین رسانه ها بازنمایی واقعیت های جهان خارج برای مخاطبان است و اغلب دانش و شناخت ما از جهان به وسیله رسانه ها ایجاد می شود و درک ما از واقعیت به واسطه و به میانجی گری روزنامه ها، تبلیغات و فیلم های سینمایی شکل می گیرد. رسانه ها جهان را برای ما به تصویر می کشند. اهمیت رسانه از این امر ناشی می شودکه به زعم پژوهشگران علوم ارتباطات اجتماعی پیام های برجسته شده یا مورد تاکید و اصرار دائمی یا مقطعی رسانه ها در باره یک موضوع، به تدریج می تواند آن را به کلیشه تبدیل کند.(طاری و دیگران،۱۳۸۸: ۵۲) «استوارت هال» یکی از نظریه پردازان مشهور رسانه معتقد است که رسانه ها واقعیت را تعریف می کنند، و به جای آنکه تنها معانی موجود را منتقل کنند، از خلال گزینش، عرضه و صورتبندی مجدد رویدادها برای آنها معنا می آفرینند.در این برداشت، ایدئولوژی بر رسانه ها اعمال نمی شود، بلکه چیزی است که رسانه ها در خلق و ساختاربندی آن نقش دارند.(ویلیامز،۱۳۸۶: ۱۷۶)مفهوم «بازنمایی رسانه ای» از مفاهیم محوری در حوزه مباحث رسانه ای است. از نظر ریچارد دایر، مفهوم بازنمایی در رسانه عبارت است از «ساختی که

رسانه‌های جمعی از جنبه های مختلف واقعیت مثل افراد، مکان ها، اشیاء، هویت های فرهنگی و دیگر مفاهیم مجرد ایجاد می کنند.» تجلی این بازنمایی ممکن است به صورت گفتاری، نوشتاری یا تصاویر متحرک باشد.(احمدی، ۱۳۸۴: ۵۹). مهدی زاده در کتاب رسانه ها و بازنمایی معتقد است که هرگونه بازنمایی رسانه ای در گفتمان و ایدئولوژی ریشه دارد که ازمنظر آن بازنمایی صورت می گیرد، سپس واقعیت بر اساس بازنمایی رسانه ای شکل می گیرد و ساخته می شود.(مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۵۱) بازنمایی رسانه ای نوعی معنا سازی خنثی و بی طرف نیست، بازنمایی ها و معناسازی های رسانه ای امور ذاتی نیستند، بلکه بر گفتمان و روابط قدرت دلالت می کنند. (همان، ۲۲-۱۹)«مک کوائیل »معتقد است، رسانه ها فراگیرترین و تاثیرگذارترین نهاد در زمینه تولید و توزیع دانش و آگاهی می باشند.از آنجایی که رسانه ها برای تمامی افراد دست یافتنی با صرف کمترین هزینه است، و در عین حال بیشترین قدرت تاثیرگذاری را دارند، بنابر این باید رسانه ها را سازنده محیط نمادینی دانست که تاثیر عمده آنها، شکل گیری تصویر ذهنی مخاطبیان از دنیای اطراف است. محتوای رسانه ها منبع قدرتمندی در باره جهان اجتماعی است.(مک کوائیل،۱۳۸۲: ۱۲۳) به نظر«ویکتوریا الکساندر» رسانه ها مسئول توزیع و ترویج برخی از ایده ها و تصاویر و بلاخره انگاره های خاصی، در جامعه هستند و تا زمانی که افکار و اعمال مردم مبنی بر این ایده ها شکل می گیرند رسانه ها می توانند به نوعی اعمال کننده قدرت گفتمانی در جامعه باشند. او معتقد است، «نمایش جنایت در تلویزیون نژادپرستی را بازتاب می دهد.(الکساندر،۲۰۰۳: ۲۱) «استیونسون» عقیده دارد، حتی سخن گفتن در باره فرهنگ های مدرن اخیر به معنی سخن گفتن از فرهنگ های رسانه ای است.بنا بر استدلال او، رسانه ها چنان در ز ندگی روزمره عصر مدرن متاخر استوار گشته اند، که به یکی از عناصر تفکیک ناپذیر بافت فرهنگی آن تبدیل شده اند. مسائل و مباحث مربوط به معرفت، هویت،ذوق، سلیقه و سبک زندگی که جزو خصوصیات معرف فرهنگ در مدرنیته اخیر هستند، بدون استثناء به دست افراد و از طریق مصرف متون و تصاویر رسانه‌ها مفهوم پردازی و عملیاتی شده اند.(Stevnson,1995:15)

نظریه بازنمایی استوارت هال و الگوی رمزگزاری و رمز گشایی:

«استوارت هال» نظریه پرداز فرهنگی، بر این نکته تاکید داردکه فراگرد ارتباط از لحظه تولید پیام تا لحظه دریافت آن از سوی مخاطب باید به مثابه کلیتی در هم تنیده در نظر گرفته شود. او در بافت ارتباطی تعامل های انسانی و رفتارهای مرتبط با آن معتقد است، معنا نوعی تولید و

رویه ای اجتماعی و نحوه فرایند گفتمان است. در بطن نظام زبانی آنچه او مجموعه ی رمزها می نامد، بر اساس آن عمل می کند، مملو از دلالت های ایدئولوژیک است. هال، در فهم معناسازی رسانه از روش نشانه شناسی استفاده می کند.جستار او مفروض های طولانی در باره نحوه ی تولید، انتشار و مصرف پیام های رسانه ای به ویژه تلویزیون را مطرح میکند و نظریه جدیدی در ارتباطات عرضه می کند. هدف شیوه ها و ساختارهای تولید در برنامه ها یا سریال های تلویزیونی تولید یک پیام است، یعنی وسیله انتقال نشانه یا به عبارت بهتر ابزار نشانه از نوع خاصی، مانند هر نوع ارتباط یا زبان دیگر، از طریق عملکرد رمزها، در زنجیره های نحوه ی گفتمانی معین.(هال،۱۹۷۳: ۱)از نظر او پیام تلویزیونی باید به عنوان گفتمانی معنادار تبدیل شود و قبل از تاثیر، کاربرد و بر آوردن نیاز مخاطب به صورتی معنادار رمز گشایی شود.(همان:۱۷)

نظریه ساخت اجتماعی واقعیت: در اغلب مواقع چنین تصور می شود که واقعیت بر اساس آنچه ما میبینیم یا تصور می کنیم، وجود دارد، و همه آنچه که در جهان اطراف ما برای ما و دیگران اتفاق می افتد، به نوعی واقعیت و تعبیری است که از آن می شود.اندیشه ابتدایی این ایده یعنی «ساخت اجتماعی واقعیت» از کوشش های دو جامعه شناس برجسته ی آمریکایی به نام های «پیتر ال. برگر و «توماس لاکمن»، در سال ۱۹۶۶در کتابی با همین عنوان مطرح شد.(برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۴) مفهوم اصلی این نظریه این است که افراد و گروه‌های تعامل گرا در نظام اجتماعی، در طول زمان مفاهیم یا نمایه های ذهنی صوری را شکل می‌دهند. این مفاهیم سرانجام به صورت نقش های تقابل گرا و تعاملی بازیگران در روابط با هم عادی و رایج می شوند. در اصل این نقش ها زمانی قابل فهم و به کارگیری هستن که برای اعضای جامعه عادی قلمداد شوند.و در این هنگام روابط درونی یا نهادی می شوند. بدین ترتیب دانش و مفهوم افراد از واقعیت شکل می گیرد. پس گفته می شود، واقعیت به صورت اجتماعی ساخته و پرداخته می شود(همان،۷) ریشه مفهوم برساخت گرایی یا سازه گرایی اجتماعی هم به کتاب برگر و لاکمن بر می گردد.رسانه ها صورت بندی های اجتماعی و حتی خود تاریخ از رهگذر چارچوب بندی انگاره و تصاویر از واقعیت را قابل پیش بینی می سازند.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش نشانه شناسی «جان فیسک» برای تحلیل سریال ها استفاده شده است. برای تحلیل نظام های رمزگانی و درک رمزگان ایدئولوژیک حاکم برجامعه و فرایند تولید

معنا در متون رسانه ای روش نشانه شناسی انتقادی جان فیسک میتواند روشی مناسب باشد. در نگاه جان فیسک، در متن پیام تلویزیون واقعیت قبل از اینکه به تصویر کشیده شود رمز گذاری می شود و به وسیله رمزگان است که می توانیم واقعیت به تصویر کشیده شده را درک کرد. در این رویکرد تحلیل متن در سه مرحله صورت می گیرد که هر سطح دارای نوع رمزگان خاص خود است.۱- توصیف کلی متن رسانه ای، ۲- انتخاب سکانس های دارای بیشترین بار ایدئولوژیک، ۳- تحلیل نشانه شناسی سکانس های منتخب. برای کشف واقعیت پنهان و تبیین ایدئولوژی ضمنی در این متون، جان فیسک این رمزگان را به سه دسته تقسیم می کند:

۱- سطح واقعیت (رمزگان اجتماعی)، که در این سطح بیشتر رمزها از جمله ظاهر چیزها، لباس، رفتار، گفتار و....قرار دارند. میتوان گفت ادراک ما از افراد و امور مختلف بر اساس ظاهرشان و مبتنی بر رمزهای متداول در فرهنگ شکل می گیرند.

۲- سطح فنی (رمزگان بازنمایی)، که در آن دوربین، نورپردازی، موسیقی و صدابرداری، تدوین، روایت، درگیری بین شخصیت ها ،گفتگوها، زمان و مکان و انتخاب بازیگران بررسی می شود. در این سطح، رمزهای اجتماعی قرار دارند که بازنمایی عناصر دیگرند و روایت، کشمکش، شخصیت و گفتگو ها را شکل می دهند.

۳- سطح ایدئولوژیک (رمزگان ایدئولوژیک)، که رمزگان متنی و اجتماعی را در مقوله انسجام و مقبولیت اجتماعی قرار می دهد. مجموعه رمزگانی که برای انتقال معنا به مخاطب استفاده می شود، به طور کامل در رمزگان ایدئولوژیک جای گرفته اند که خود حکم نشانه را دارند.

از نظر فیسک این سه سطح رمزگان به شیوه ای منسجم با هم ادغام شده و به وحدت می رسند و معنا را تقویت و تولید می کنند. تولید معنا در مسیر حرکت در ساختار سلسله مراتب سطوح سه گانه است و بررسی نشانه شناسی این رمزگان، این وحدت را باز سازی می کندکه ناشی از تاثیر شگرف رمزهای ایدئولوژیک بر آن است.(فیسک،۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۳۰)

در این پژوهش با استفاده از نمونه گیری هدفمند چند سریال شاخص و پر مخاطب که در ۴ دهه بعد از انقلاب اسلامی درتلویزیون جمهوری اسلامی ایران به نمایش درآمدند، برای تحلیل انتخاب شدند. سریالهایی که کنش‌های اجتماعی سیاسی زنان و نقش آنان در تحولات تاریخی ایران ، یا به عنوان کنشگر جریان اصلی یا یکی از کنشگران جریان های فرعی به تصویر کشیده شده است. سریال امیرکبیر از دهه ۶۰ شمسی، کیف انگلیسی از دهه ۷۰، مدار صفر

درجه از دهه ۸۰ و سریال بانوی سردار از دهه ۹۰ انتخاب شدند. علت انتخاب این سریال‌ها، غلبه گفتمان کنشگری به طور کلی و کنشگری سیاسی زنان به طور اخص بوده است.

جدول شماره (۱) مشخصات سریال ها

نام شبکه پخش کننده	نام سریال	کارگردان	سال تولید	خلاصه سریال
شبکه ۱	امیر کبیر	سعید نیکپور	ژانر تاریخی ۱۳۶۴	داستان زندگی "امیر کبیر" صدر اعظم بزرگ ناصرالدین شاه از زمان همراهی او با شاه پس از مرگ محمدشاه از تبریز به تهران ، رسیدن به صدر اعظمی که پس از آن گرفتار توطئه های مهد علیا مادر شاه به همراهی جمعی از مخالفان امیر می شود وسرانجام به قتل امیر منجر می شود.
شبکه ۱	کیف انگلیسی	سیدضیاء الدین دری	ژانرتاریخی، ۱۳۷۸	داستان شخصیتی سیاستمدار تحصیلکرده در فرانسه را در دهه موسوم به دهه طلایی آزادی را به تصویر می کشد که با افکار روشنفکرانه، خواهان راه یافتن به مجلس، جهت مقابله با دولت و استقرار حکومتی دموکراسی به سبک فرانسه است. در این راه از یاری و کمک شخصیت اصلی زن سریال بیشترین بهره را می برد.
شبکه ۱	مدارصفر درجه	حسن فتحی	ژانر تاریخی ۱۳۸۶	داستان دانشجوی جوانی است که برای تحصیل عازم کشور فرانسه می شود. آلمانها فرانسه را اشغال میکنند او با دختری یهودی آشنا می شود. یهودیان در معرض خطر جدی نابودی از طرف آلمان ها قرار می گیرند او با همراهی همسر سفیر ایران در فرانسه با پاسپورت جعلی که برای یهودیان ایرانی تبار درست میکنند جمعی از آنها را به ایران می فرستد.
شبکه ۳	بانوی سردار	پرویز شیخ طادی	ژانر تاریخی ۱۳۹۸	داستان زندگی بی بی مریم دختر سردار اسعد بختیاری از بزرگان ایل بختیاری می باشد او در دوران زندگی خود به مبارزات همه جانبه با خان های محلی و حاکم دست نشانده حکومت مرکزی (ظل السلطان) و همینطور استعمارگران انگلیسی می پردازد.

یافته های پژوهش

رمزگان اجتماعی: دلالت بر این دارد که حضور انسانها در زندگی واقعی همواره حضوری رمز گذاری شده است. و ادراک ما از اشخاص گوناگون بر اساس ظاهر آنها، طبق رمزهای متعارف در هر فرهنگی شکل می گیرد.این امر بدان معنا است که رمزهای اجتماعی در فیلم ها را تنها از طریق شناسایی و درک رمز ها ی موجود در فرهنگ ها که باز نمایی شده ی واقعیت های آن اجتماع است، می توان فهم کرد.(سعیدی و دهدشت،۱۳۹۸: ۱۱)

جدول شماره (۲) خوانش رمزگان و نشانه شناسی سریال امیرکبیر

نام سریال ها	رمزگان اجتماعی-واقعیت
امیر کبیر	**نشانه های پوشش و لوازم مورد استفاده**: اغلب زنان سبک کاملا سنتی دامنهای چین خورده –شلوار –چارقد- گذاشتن نیم تاج بر سر، مادر«مهد علیا» و سوگلی شاه«جیران» در درون ارگ همایونی، استفاده از کالسکه شخصی و سلطنتی، استفاده از انواع جواهرات سلطنتی، برای نشان دادن برتری مقام خود-استفاده از چادر با پوشش صورت، حتی برای مادر و خواهر شاه در بیرون از قصرشاهی-نشان دادن تفاوت ها در سبک پوشش درون قصر با مردم عادی حتی اگر همسر صدر اعظم «ملک زاده خانم» یا مادر امیرکبیر یا حتی همسر دوم شاه سابق باشد.«خدیجه خانم»
	نشانه های اجتماعی(رفتاری) : برگزاری جلسات پنهانی و غیر علنی همراه با اهداف توطئه آمیز، ایجاد آشوب و بلوا در نقاط مختلف کشور با تطمیع تعدادی از اراذل و اوباش برای مخدوش ساختن امنیت و نظمی که امیر برقرار کرده است. ، استفاده از نیروهای اطلاعاتی و جاسوسی در همه جا حتی خانه امیر برای تسلط همه جانبه برامور، برپایی میهمانی ها و ضیافت های بزرگ همراه با بذل و بخشش های فراوان از خزانه برای جلب نظر و همراه کردن خیلی ها با خود، حتی ایجاد حس بی تفاوتی و کینه و نفرت نسبت به امیر در شاه بوسیله برپایی مجالس خوشگذرانی شبانه.
	نشانه های کلامی: استفاده از واژه های دلسوزانه و مادرانه برای همراه کردن دخترش (ملک زاده خانم) و همینطور پسرش (ناصرالدین شاه)- استفاده از لحن تحکم آمیز و آمرانه برای زیردستان و خدمه اش -استفاده از واژه های همراه با خشم درونی برای تحت تاثیر قراردادن شاه مثلا به وقت تبعید همسر دوم شاه سابق(خدیجه خانم)به همراه فرزند پسرش –استفاده از واژه های کلامی برای برانگیختن حس حسادت شاه نسبت به فرزند پسر خدیجه خانم و همینطور امیر کبیر مثل به جای نظم ناصری مردم بگویند نظم تقی خانی

جدول شماره (۳) خوانش رمزگان و نشانه شناسی سریال کیف انگلیسی

نام سریال ها	رمزگان اجتماعی-واقعیت
کیف انگلیسی	**نشانه های پوشش و لوازم مورد استفاده** : تغییر پوشش از لباس های قاجار به سبک پوشش رضاخانی با تقلید از سبک لباس غربی و اروپایی برای زنان و دختران تحصیلکرده و به قولی معروف به فرنگ رفته ها، شامل کت و دامن،کفش های پاشنه بلند وکلاه بزرگ، عینک های افتابی به همراه کیف دستی های چرمی- استفاده از وسیله نقلیه اتومبیل به جای کالسکه که باز مختص قشر مرفه جامعه است-استفاده ازآلات موسیقی غربی، مثل پیانو آموزش و نواختن آن که تا آن زمان اصلا مخصوصا در میان زنان و دختران مرسوم نبوده است. استفاده از میز ناهارخوری به جای سفره.
	نشانه های اجتماعی(رفتاری) : ارتباط آزاد مردان و زنان در سطح جامعه که تا آن زمان به هیچ وجه مرسوم نبوده است. چاپ روزنامه به نسخه های زیاد در حالی نویسنده مقالات آن بانوان باشند – حضور زنان در کافه ها و رستوران ها و نوشیدن قهوه با مردان بیگانه به صورت دوستانه-زنان برای رسیدن همسرانشان به موفقیت مورد استفاده ابزاری قرار میگیرند. دخالت آشکار و پنهان زنان در امر انتخابات مجلس و انتخاب نمایندگان مجلس. استفاده ابزاری از زنان برای کسب اطلاعات(جاسوسی).از زنان برای بهبود روابط با نماینده کشور دیگر استفاده می شود(استفاده ابزاری)
	نشانه های کلامی: زنان در سکانس های مختلف و طولانی به تحلیل هایی از سیاست روز کشور، ، آرزوها و رویا پردازی برای پیشرفت و رسیدن به دموکراسی حاکم بر کشور های اروپایی می پردازند. در سکانس هایی از سریال ها گفتگوها بر اساس دیدگاه کاملا فمینیستی، با رویکردی بر اساس آزادی بیان و دخالت صریح زنان در امر سیاست نشان داده می شود.

جدول شماره (۴) خوانش رمزگان و نشانه شناسی سریال مدار صفر درجه

نام سریال ها	رمزگان اجتماعی-واقعیت
مدار صفر درجه	**نشانه های پوشش و لوازم مورد استفاده** : زنان با تغییر حکومت از قاجار به پهلوی پوشش سبک سنتی و قدیمی را یا به اجبار حکومت و یا با انتخاب خود کنار گذاشته اند، حضور در جامعه برابر با لباس سبک غربی، همراه با کشف حجاب، پوشش یعنی کت و دامن وکلاه و عینک و کیف دستی. نواختن پیانودر محافل شبانه توسط زنان برای جلب نظر میهمانان خارجی و داخلی،رادیو به عنوان وسیله ای برای آگاهی از اخبار جنگ و خبر های سیاسی جهان به ایران رسیده است.
	نشانه های اجتماعی(رفتاری) :عضویت زنان در انجمن های سیاسی توسط همسرانشان نشانه نوعی تجدد گرایی و پیشرفت است.-استفاده ابزاری از زنان به هر صورت حتی گفتگو و نمایش زیبایی خود برای مردان بیگانه به جهت پیشرفت در امر سیاست همسرانشان - طلاق و جدایی از همسر در صورت اختلاف نظرسیاسی طرفین به راحتی انجام می شود.(سست شدن ارکان نظام خانواده) -استراق سمع و به نوعی جمع آوری اطلاعات(جاسوسی) توسط زنان- فعالیت های پنهانی زنان در برابر سیاست های حاکم (مقاومت پنهانی). از زنان برای بهبود روابط با کشور های دیگر و در امان ماندن از جنگ استفاده می شود.(استفاده ابزاری)
	نشانه های کلامی: انتقاد از حکومت رضاخانی، تحلیل بسیار دقیق سیاست جاری مملکت توسط زنان -زنان نارضایتی خود را نسبت به رفتار همسرانشان نشان میدهند. نوعی مقاومت و پس از آن عصیان برعلیه هرآنچه که آزادی زنان را سلب می کند –انتقاد شدید از مردانی (همسر) که به هر عنوانی از زنان استفاده ابزاری میکنند.زنان به راحتی اندیشه های سیاسی خود را بیان می کنند.

جدول شماره (۵) خوانش رمزگان و نشانه شناسی سریال بانوی سردار

نام سریال ها	رمزگان اجتماعی-واقعیت
بانوی سردار	**نشانه های پوشش و لوازم مورد استفاده:** پوشش زن شخصیت اصلی سریال کاملا متفاوت از زنان معمول جامعه است. از آنجایی که شخصیت اصلی از ایل بختیاری می باشد، لباس زنان و مردان هم بر گرفته از سنتهای آنها است پیراهن بلند روی دامن، دامن بلند، شلوار، کفش های مخصوص، روسری و چارقد مخصوص-پوشش زنان عادی جامعه کاملا متفاوت معمولا از تکه هایی از پارچه های بسیار خشن بدون دوخت های نازک، بیشتر اوقات بلند تا پشت پا و روسری های بلند بر سر است. که نشانه فقر حاکم بر جامعه می باشد. زنان اکثرا داخل مطبخ هستند، یا در حال رسیدگی به فرزندان خود می باشند.وسیله حمل و نقل گاری هایی است که زنان و کودکان را از جایی به جایی حمل میکند.اکثر وسایل و ابزار برای اقشار بالا مثل خانواده بی بی مریم که همه خان و خانزاده هستند، از جنس نقره می باشد حال آنکه وسایل مردم عادی اکثرا از جوب یا فلزات بی ارزش می باشد.
	نشانه های اجتماعی(رفتاری): .مردمان این جامعه هنوز از اصالت و سادگی جوامع عشایری همراه با نوعی زیرکی و تیز هوشی مخصوص خودشان برخوردار هستند.شخصیت اصلی سریال نقش های اجتماعی متفاوتی را در اجتماع کوچک محلی درون قلعه بر عهده دارد ۱- به عنوان معلم بچه های قلعه تاریخ و جغرافیا و شعر و ضرب المثل و معما به آنها می آموزد.۲- به عنوان فرمانده جنگی سپاه را فرماندهی، نقشه جنگ را طراحی،دستور ساخت باروت را می دهد. از اسب و اسلحه به خوبی استفاده می کند۳-عزل و نصب های سیاسی را انجام می دهد.۴- برای سرکشی و فهمیدن واقعیت آنچه بر رعیت می گذرد مرتب به روستاهای اطراف می رود.۵- برای برقراری عدالت اجتماعی دستوراتی صادر میکند، همچون تقسیم آذوقه قلعه بین مردمان روستا ها یا خرید پنبه و نخ روستاییان به قیمتی منصفانه ۶- سالمندان و کودکان را برای در امان ماندن از صحنه جنگ به مکانی دور میفرستد.
	نشانه های کلامی: در صحنه های ابتدایی سریال شخصیت اصلی تمام سعی و کوشش خود را بر این اصل قرار می دهد که به مردان قلعه بفهماند حال که همسرش قلعه را ترک کرده است، او به عنوان یک زن توان مدیریتی و رسیدگی به امور را دارد. با فرزندش در باره انگلیسی ها صحبت می کند.در زمان تدریس تاریخ به بچه ها به توصیف ظل السلطان و به طور کلی حکومت می پردازد.دستوراتی در مورد رفتار با اسرا و کشته شدگان نیرو های دولتی می دهد.با فرزندش در مورد مردم و رعایت حال آنها و حق رعیت بر گردن خان صحبت می کند.تعهدات والیان را برایشان یاداوری می کند و برای مجازاتشان تصمیم می گیرد.

رمزگان فنی : رمز های فنی ازآن جهت اهمیت دارند که در بوجود اوردن صورت معنا به صورت کلی نقش مهمی ایفا می کنند.زیرا عمدتا به شیوه های خلاقانه و نه صرفا از جهت فنی مورد بررسی قرار می گیرند تا معنای کلی از آنها متبادر شود.

رمز های فنی شامل موارد متعددی همچون نقش دوربین، زاویه دید دوربین، ترکیب بندی،

نورپردازی، صحنه پردازی، صدا، گفتگوها و موسیقی متن می باشد.به نظر فیسک «واقعه ای که قرار است به صورت برنامه ای تلویزیونی درآید، برای اینکه رنگ واقعیت به خود بگیرد پیشاپیش با رمزهای اجتماعی نظیر لباس، محیط، گفتار و مانند آن رمزگذاری می شود. یعنی سطح واقعیت برای اینکه از طریق رسانه ای مانند تلویزیون قابل پخش شود از صافی باز نمایی با رمزهای فنی همچون دوربین، نورپردازی و تدوین و روایت می گذرند.(صوفی،۱۳۸۹: ۷۶)

جدول شماره (۶) خوانش نشانه شناسی فنی

	رمزگان فنی
نقش دوربین:	حرکات دوربین بر اساس تصویری که ثبت مینماید به سه نوع متفاوت تقسیم می شود: نمای بسته، نمای متوسط، نمای درشت. نمای بسته بیشتر بر نقاط مهم و حساسیت برانگیز متمرکز است. نمای متوسط بیشتر فضایی را نشان می دهد که حس صمیمیت پدید آید و نمای درشت هم زمانی به کار میاید که براهمیت و دقت موضوع تاکید می شود. درسریال امیرکبیر، بیشتراز نمای بسته، در سریال کیف انگلیسی بیشتر نماها از نوع متوسط، در سریال مدار صفر درجه نماها بیشتر از نوع درشت و متوسط و در سریال باوی سردار هم بیشتر نمای بسته به چشم میخورد.
نورپردازی:	نورپردازی در صحنه های متعدد سریال امیرکبیر بیشتر بر فضای توطئه، کینه و انتقام، تاثیرگذاری ذهنی و فضایی پر از خدعه و تزویر دلالت دارد. در سریال کیف انگلیسی بیشتر بر پیروزی، کامیابی، تضادها تاکید شده ست.مثلا فضای داخل محل زندانی شدن مستانه یا راهروی زندان محل روبرو شدن ادیبان ومستانه کاملا بوسیله نورپردازی به محیطی رمزآلود و پر از شک و تردید تبدیل شده است. در صحنه هایی از سریال بانوی سردار که او و فرزندانش دردل شب و در هنگام خواب مورد هجوم گرگ ها قرار میگیرند با نورپردازی بسیار عالی حس ترس و وحشت تنهایی و مرگ توسط گرگ ها به بیننده منتقل می شود.
صحنه پردازی:	تفادت های شکل فیزیکی شخصیت های سریال های نمایشی در رمزهای اجتماعی زمان و مکان صحنه ها و همینطور لباس بازیگران، نشاندهنده بسیاری از رمزهای ایدئولوژیک همچون طبقه اجتماعی، پایگاه اجتماعی، ارزش های اجتماعی حاکم، اخلاقیات و جذابیت های یک سریال می تواند باشد. اگر چه مکان هایی که برای ۴سریال مورد بررسی متفاوت هستند، اما میتوان آنها را به دو دسته کلی و چندین زیر مجموعه جزیی تر تقسیم کرد. مکان های محصور، درون ارگ سلطنتی(امیرکبیر)، درون قلعه (بانوی سردار)، مکان های غیر محصور، خانه پدر، دفتر روزنامه (کیف انگلیسی)، خانه شوهرو سفارت ایران در فرانسه (مدار صفر درجه) . مکان ها و وسایلی که انتخاب شده اند، به درستی می توانند حضور زنان را در وقایع سیاسی و همینطور دوره تاریخی حاکم بر سریال نمایشی را به تصویر بکشند. زمانی که زنان در اجتماع حضور اجتماعی پیدا می

	رمزگان فنی
	کنند دقیقا همچون مردان تفاوت ها کنار گذاشته می شود. در کافه ها حاضر می شوند، در آنجا قهوه می نوشند، در حالی که هیچکدام لباس های سنتی و حتی پوشش سنتی ایرانی را بر تن ندارند.
صدا :	یکی ازتاثیرگذارترین عوامل هر فیلم میتواند صدای آن باشد. می توان گفت این صدا گذاری فیلم است که تمام احسا س انسان را درگیر می سازد. از سوی دیگر این صدا است که درک و تفسیر تصاویر را در بیننده امکان پذیر می سازد. شاید اگر صدا نباشد آدمها چندین تفسیر متفاوت از یک صحنه داشته باشند.صدا، شامل موسیقی و گفتگو ها یا همان دیالوگ ها می شود. با شنیدن گفتگو های متن یک فیلم انسان می تواند با ادم های مثبت همدلی و حتب همذات پنداری کند، آنها را دوست داشته باشد. و بر عکس با شخصیت های منفی خصومت، کینه و عداوت داشته باشد. در بررسی انجام شده در متن دیالوگ های این ۴ سریال به وضوح کلیشه های جنسیتی، تفاوت های طبقاتی، تاکید بر سنت ها(بانوی سردار) تاثیرات و کنش های آشکار و نهان در امر سیاست(امیر کبیر)، سوء استفاده از زنان در جهت پیشبرد امر سیاست توسط مردان (مدار صفر درجه) و ...به خوبی دیده می شود.
موسیقی متن فیلم و تیتراژ	موسیقی متن و تیتراژ: انواع اصوات و صداهای غیر کلامی و گفتگویی که در نمایش به کمک صحنه های نمایشی میاید تا هم درک از صحنه را راحت تر کند و هم در روا یت تصویر مفاهیم جدید و خاصی را تولید کند. هر ۴ سریال برای تیتراژ خود از اساتید موسیقی بهره بردند و موسیقی های فاخری از خود به یادگار گذاشتند.در سریال بانوی سردار هم برای تیتراژ از موسیقی محلی با گویش لری استفاده شده است.

رمزگان ایدئولوژیک:

رمزهای ایدئولوژی از این نظر اهمیت دارند، که رابطه بین رمز فنی و رمز اجتماعی را معنادار می‌کنند. این فرایند توسط عقل سلیم صورت می گیرد.رمزگان ایدئولوژیک، تمهیداتی هستند، برای ایجاد همگنی و انسجام در معانی و دلالت هایی که متن می کوشد به میانجی رمزگان اجتماعی و فنی به مخاطبان القا کند، و در قالب واقعیت های بدیهی و طبیعی به آنها بقبولاند. که در همه سریال های مورد بررسی اصلی ترین تم ایدئولوزیک نقش زنان شخصیت اصلی در رویدادها و وقایعی است که رویکرد و کنش سیاسی دارند.و دیگر رمزگان متن در خدمت تقویت و بازنمایی آن هستند.(محمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۲)

جدول شماره (۷) خوانش رمزگان ایدئولوژی

نام سریال	رمزگان ایدئولوژی
امیرکبیر	در این سریال درست است که مبنا بر تلاش ها و رویکرد ترقی خواهانه و پیشرفت و آبادانی ایران، همچون کشورهای اروپایی امیرکبیر است، اما زاویه اصلی دوربین و تم اصلی، حتی میتوان گفت کاراکتر و شخصیت اصلی، زنی به نام مهد علیا یا نواب علیه است که در ضمن مادر شاه نیز می باشد. او به هیچ عنوان موافق عملکرد امیر نیست. او در این راه بسیاری را همراه خود می کند.کسانی که همچون او منافع بسیاری را در نبودن امیر میبینند.مهد علیا خود را صاحب قدرت یکتای سلطنت می داند.او از طبقه بالای اجتماعی است. امیر را در حد و اندازه صدارت نمی داند. همه نیروهایی که با «مهد علیا» همدست شده اند، برای از میان برداشتن امیر و نرسیدن او به اهدافش که بزرگتری هدف «امیرکبیر» حتی از زمانی که از تبریز به سمت تهران حرکت میکند، چیزی جز داشتن ایرانی قوی و مستقل نبوده است. در این میان مقابله با پیشرفت و استقلال و بودن یک جامعه قوی و مستقل به نام ایران در صحنه داخلی و بین الملل می تواند یک رمز ایدئولوژیک مهم باشد، که در دیالوگ های زیادی ما این هدف و فکر را می بینیم، در این سریال ما شاهد تقابل اخلاقیات خیر و شر و همینطور شاهد تضاد منافع نیروهای خیر و شر هستیم. اتحاد نیروهای شر با هم تدارک توطئه های بسیار علیه آرمانها و اهداف انسان گرایانه امیر کبیر که سرانجام به قتل او می انجامد.
کیف انگلیسی	در این سریال به نوعی دیدگاه فیمینیستی و طرفداری از حقوق و آزادی زنان و دخالت آنان در امر سیاست و همینطور تفاوت طبقاتی بین سطوح مختلف اجتماعی نمایان است. محبوبه و زن هایی که نزد خان کار می کنند، زن ادیبان که زنی با رفتارها و اندیشه های یک زن کاملا سنتی ایرانی است، در تقابل با مستانه و مادرش که نمادهایی از زن تجدد خواه با رفتارهایی به سبک رفتار زنان اروپایی هستند قرار می گیرند به نوعی تقابل سنت و مدرنیته آنهم از نوع زنانه. و در مقابل ایدئولوژی اقتدار گرایانه مردانه همواه با حاکمیت حکومت و سیاستی که توسط مردان اداره می شود.در میان همه این مسائل آنچه بیشتر از همه به چشم می خرد تاثیر پذیری افکار و عمل قشر روشنفکر و تحصیلکرده که نماد آن را به وضوح در صحنه آخر سریال زمانی که مردان کیف چرمی به دست یکی بعد از دیگری از پله های مجلس باالا میروند، تا برای ایران قانونگذاری کنند.اما در مقابل زنان سریال در عین هشیاری که از همه جریانات پشت پرده آگاه هستند، تمام تلاش خود را از هر راه ممکن در جهت مقابله با این اقدام انجام میدهند، که این می تواند ر مز ایدئولوزی برجسته و مهمی باشد.
مدار صفر درجه	در این سریال دو شخصیت اصلی زن یکی زینت الملوک و دیگری سعیده هر دو قربانی اهداف سیاسی مردانی که در ضمن همسران آنها هم هستند شده اند. سعیده با پوشیدن لباس هایی به سبک زنان اروپایی، خواندن کتاب های نویسندگان اروپایی و شرکت در جلسات انجمن

نام سریال	رمزگان ایدئولوژی
	ایران نوین سعی دارد تا تصویری از یک زن روشنفکر و متجدد را از خودش به نمایش بگذارد. زینت الملوک نیز با شرکت در میهمانی های شبانه سفارت با بهره گیری از زیبایی و جذابیت خود و و نواختن پیانو سعی در جلب نظر افسران میهمان آلمانی دارد. همه این کارها بنا به خواسته همسرانشان است که از آنها به عنوان پله های ترقی خود استفاده می کنند. جالب توجه اینکه سرانجام هر دو شخصیت به نوعی عصیان و سرپیچی از خواسته های شوهرانشان اقدام میکنند.سعیده از همسرش جدا می شود و زینت الملوک همسرش را به قتل می رساند. این طغیان زنان در برابر مردان در جامعه در حال ترقی و مدرنیزه شدن می تواند رمز ایدئولوژی مهمی باشد.
بانوی سردار	شخصیت اصلی این سریال زنی به نام بی بی مریم که در عین حال که دارای ویژگی های خاص زنانه بودن خود مثل مهربانی و عطوفت مادرانه است در عین حال شجاع، جسور، زیرک، و سیاستمدار هم هست. او به خوبی می داند که در هر لحظه و هر حادثه ای که پیشامد می کند، بنا به مقتضیات چگونه باید چه تصمیمی بگیرد. او هرگز سر سازش با کسانی که قصد ظلم و ستم بر مردم ستمدیده این مملکت را دارند ندارد. انگار او تمام عمرش را و هر لحظه آماده مبارزه است.از یک سو نیرو های وابسته به حاکم ظالم اصفهان ظل السلطان، از سوی دیگر نیروهای نظامی انگلیس که به واسطه اکتشاف نفت قصد غارت منابع این مملکت را دارند. طرف دیگر این ماجرا نیز خوانینی هستند که دائما در حال ظلم بر روستاییان هستند. بی بی مریم تا اخرین روز زندگیش هرگز دست از مبارزه بر نداشت.کوتاه نیامدن زنان و استواری ومقاومت آنان در برابر بیگانگان و همینطور عمال داخلی آنها میتواند رمز ایدئولوژی برجسته و مهمی در مفاهیم پنهانی سریال باشد.

«بی بی مریم» در سریال «بانوی سردار» به دلیل ساخت اجتماعی حاکم بر جامعه مردسالار و آنچه به صورت عادت و تکرار نهادینه و به شکل واقعیت اجتماعی نمود پیدا کرده است در قسمت های ابتدایی سریال مردان درون قلعه پس از رفتن همسر بی بی مریم به دلیل زن بودن او حاضر به تبعیت و فرمانبرداری از او نیستند.مردانی که به عنوان خوانین روستاهای اطراف از طرف بی بی مریم به این کار گمارده می شوند نیز باز هم به دلیل ساخت جامعه، پنهانی با انگلیسی ها جهت بهره برداری از روستاییان با استفاده از ناآگاهی و خرافات مردم اموال آنها را به یغما می برند و حتی دختران جوان آنها را نیز به بهانه های مختلف به خدمت انگلیسی ها در میاورند.

«مستانه» شخصیت اصلی زن فیلم «کیف انگلیسی» درحالی که مدت ها در فرانسه بوده

است تحصیلکرده و به قولی متجدد است، زمانی که به باع خان وارد می شود. در صحنه ای از سریال که خان و پسرش و شازده در باره سیاست و انتخابات قصد دارند صحبت کنند، به او و مادرش پیشنهاد گشت و گذار و دیدن باغ را می دهند که البته این مطلب از دید «مستانه پنهان نمی ماندو به صراحت به آن در دیالوگ ها اشاره می کند. که این موضوع باز هم به ساختار مردسالارانه جامعه ایران که زنان را از دخالت و حتی اظهار نظر در باره سیاست باز می دارد، برمیگردد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس چارچوب نظری عنوان شده در پژوهش، در سریال های مورد بررسی قرار گرفته ساخت اجتماعی مضامین و درونمایه ی روایت ها اغلب بر پایه واقعیت های اجتماعی و تاریخی یعنی آنچه که عملا وجود داشته است شکل گرفته شخصیت های اصلی زن سریال و حتی شخصیت های زن فرعی آنچه را که زمانی به صورت عینی و کاملا مشاهده پذیر بر زنان، بواسطه زن بودنشان نه به عنوان فردی از آحاد انسانی جامعه بر آنها گذشته است به تصویر کشیده است.

مشارکت سیاسی، نوید بخش این معناست که آحاد جامعه بتواند به صورت فعال، آزادانه، برابر و با توجه به نیازهایشان سرنوشت خویش را تعیین کنند و آینده خود را رقم بزنند. امروزه مشارکت سیاسی به عنوان یک ارزش مهم سیاسی و هم به عنوان وسیله کارآمدی برای توسعه اجتماعی و توسعه انسانی مطرح است. با مرور بر ادبیات توسعه سیاسی مشخص می‌شود که در اکثر موارد توسعه با واژه‌های دموکراسی، برابری و مشارکت تعریف شده است. نویسندگان ادبیات توسعه سیاسی و نوسازی دموکراسی، مشارکت و برابری را اصولی برگشت ناپذیر و وابسته به صورت‌های معین تحول سیاسی و اجتماعی قلمداد کرده‌اند. پس مشارکت سیاسی هم نتیجه وجود آزادی و توسعه سیاسی در جامعه و هم عامل استقرار، حفظ و بقای آنهاست و به این دلیل هم شرط لازم برای توسعه اجتماعی و سیاسی و هم نتیجه آنهاست (وحیدی، ۱۳۹۷: ۱۶). زنان به عنوان بخش قایل توجهی در ادبیات توسعه و مشارکت حائز اهمیت است.

تلویزیون در فرایند بازنمایی کنشگری سیاسی زنان در تاریخ معاصر، سه گونه الگوی را به تصویر کشیده است.

۱-الگوی کنش سیاسی سنتی یا گفتمانی: این نوع کنش که اکثرا در سریال های تاریخی به نمایش در امده وجود دارد الگویی مبتنی بر کنش سیاسی در قالب گفتگو، صحبت و یا دیالوگ است، بدون اینکه هیچگونه عمل یا فعالیتی را در بر داشته باشد. مثلا در سریال «امیرکبیر» شخصیت زن و کنشگراصلی«مهد علیا» مادر ناصرالدین شاه» به هیچ عنوان کنشگری که فعالانه باشد و در آن عملی توسط خودش به وقوع بپیوندد، نیست. اما در تمام وقایع سیاسی همچون ایجاد شورش و بلوا برای تخریب اقدامات «امیرکبیر»، جلسات پنهانی چندباره با سفرای کشور های انگلیس و روسیه و شاهزادگان قاجار در راستای این هدف، عزل امیرکبیر از صدارت و حتی قتل ااو، جانشینی میرزاآقاخان نوری به جای «امیرکبیر از طریق توطئه و تاثیرگذاری بر افکار شاه نقش داشته است.

۲-الگوی کنش بینابینی یا نیمه سنتی: این نوع کنش هم گفتگو و دیالوگ و هم عمل یا کنش سیاسی مانند دخالت در عزل و نصب های سیاسی را دربر می گیرد. مثلا در سریال «مدار صفر درجه« «خانم جهانبانی» در عین حال که در دیالوگ هایش یعنی به صورت گفتاری در صحنه های بسیاری در باره سیاست اظهار نظر میکند، حتی وقایع پیش آمده در زمان وقوع استعفای رضاخان، روابط او با آلمانها، اتفاقات و پی امدهای جنگ جهانی در ایران را تحلیل سیاسی می کند، اما در قسمت های پایانی سریال دست به اسلحه می برد و به ترور شخصیت مرد سریال که همسر اوست، اقدام می کند دستگیر می شود محاکمه و به زندان می افتد. و یا شخصیت دیگر زن سریال « سعیده » در عین حال که افکار سیاسی دارد، کتاب های سیاسی میخواند، اخبار جنگ را گوش می دهد و به تحلیل آنها می پردازد، اما با شرکت در جلسات انجمن «ایران باستان » به همراه شوهرش انگار عمل سیاسی انجام می دهد، تا جایی که توسط همدستان همسر دومش«تقی» که به نوعی افکار مارکسیستس دارند و حالا شوهرش از آنها جدا شده او و همسرش ترور می شوند.

۳- الگوی کنش مدرن: این نوع کنش سیاسی را که شامل همه فعالیت ها و رفتارهای سیاسی می شود مانند جنگ با دشمن داخلی و خارجی، استفاده از سلاح، عزل و نصب های سیاسی در بر می گیرد. مثلا در سریال «بانوی سردار» « بی بی مریم » شخصیت و کنشگر اصلی در اکثر صحنه های سریال سوار بر اسب و اسلحه دردست در حال نبرد با سربازان «ظل السلطان» نماینده حکومت مرکزی در اصفهان و یا در حال رویارویی با سربازان و افسران انگلیسی که به طمع غارت منابع نفت تازه اکتشاف شده در سرزمین

ایران، است. مستقیما خود به عزل و نصب های خوانین محلی می پردازد. از لحاظ اقتصادی خود مستقیما دستوراتی برای تقسیم آذوقه در بین مردمان روستاها می دهد. خودش برای سرکشی و بازدید روستاها ی اطراف می رود. دستور ساخت باروت را می دهد و برای بازدید از مراحل ساخت آن می رود. با فرستادن جاسوسانی به اطراف و نیروهای نفوذی و اطلاعاتی در بین انگلیسی ها مرحله به مرحله از اطلاعات جنگی خبردار شده و با مشورت بزرگان قلعه به طراحی نقشه های جنگی برای مبارزه می پردازد.

اگرچه سریالهای بررسی شده، نقش زنان را در وقایع تاریخی و تحولات اجتماعی پررنگ نشان می دهد وابستگی زنان قدرتمند به واسطه ی مردان نیز بازنمایی می شود. در کنار اتصال زنان به مردان با نفوذ، ویژگی‌های فردی، مذهبی و همچنین جایگاه و طبقهٔ زنان در کنشگری سیاسی آنها بسیار تاثیرگذار بوده به نوعی که طبقه و جایگاه اجتماعی بالا از مهمترین این عوامل بوده است.

شاید تم مشترک همه این سریال ها به جز سریال «امیر کبیر» و شاید کل تاریخ این سرزمین نشاندهنده مطلب بسیار مهم، قابل تامل و انکارناپذیر است، که بیداری و هشیاری زنان ایران مخصوصا در وقایع صد سال گذشته در سریال‌های نمایش داده شده به تصویر کشیده شده است. آنها هم نسبت به شرایط داخلی و هم نسبت به حضور بیگانگان هشیار بوده و کنشگری سیاسی فراوانی انجام داده اند، با بررسی تاریخ معاصر ایران شاهد وقایعی مثل بلوای نان، تحریم تنباکو، قرارداد رژی، واقعه مسجد گوهر شاد و ....بسیاری وقایع دیگر هستیم که زنان حتی از مردان هم جلوتر بوده اند. نفوذ و تسلط دولتهای غربی بر حاکمان و دولتمردان ایران در همه دوران روایت‌های تاریخی در این سریال ها به تصویر کشیده می شود، از کیف انگلیسی که نمایندگان کیف به دست و تابع سیاست‌های استعمارگرانه انگلیس در حال بالا رفتن از پله‌های مجلس برای تصویب آنچه که منافع آنها را تامین میکند. تا دوران سلطنت فتحعلیشاه و ناصرالدین شاه که دربار ایران محل رقابت و بازی‌های سیاسی دول اروپایی بود انگار مسابقه ای در جریان است تا با یارکشی افراد بیشتری از نزدیکان شاه و دربار در تیم خود سهم بیشتری از منافع این آب و خاک داشته باشند. مردان سیاسی هر کاری برای به دست آوردن قدرت و ثروت انجام میدهند. اگر چه درسریال‌های فوق مردانی همچون امیر کبیر دیده می شوند لیکن تعداد آنها به اندازه انگشتان دست هم نیست. لیکن برای زنان در این سریالها والاترین عشق، عشق به میهن و وطن است و برخی از شخصیت ها حتی در این راه از جان

خود میگذرند تا به هدف والای خود برسند.آنها از ابراز عقیده و بیان حرف حق و راستین خود در مقابل بیگانگان هم نمی‌هراسند(مانند بی بی مریم در بانوی سردار) و با تمام وجود از بیگانگان بیزار هستند و به مردمانشان عشق میورزند(مانند مستانه درکیف انگلیسی).

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۸۴) «نشانه های تصویری تا متن، به سوی نشانه شناسی ارتباط دیداری، چاپ پنجم، تهران، **نشر مرکز**.
- برگر، پیتر. لاگمن، توماس(۱۳۷۵).«ساخت اجتماعی واقعیت : (رساله ای در جامعه شناسی شناخت)»، ترجمه فریبرز.
- حسینی، سیده زینب (۱۴۰۰)، «نحوه باز نمایی خانواده در سریال های تلویزیون ایران(مطالعه موردی سریال ستایس)»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه آیت ا... بروجردی.
- رضایی، عبدالعلی، (۱۳۸۰). «مشارکت اجتماعی، هدف با ابزار توسعه»، **ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی**
- سیفی دپو کلایی، معصومه.(۱۳۹۶)« بررسی انتقادی بازنمایی زن در سیمای جمهوری اسلامی ایران بر اساس تعالیم قران کریم». **رساله دکتری**، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع).
- سعیدی، میلاد و دهدشت، کوثر (۱۳۹۸).«تحلیل نشانه شناختی خانواده در سینمای دهه ۷۰ و ۹۰ ایران»، **فصلنامه پژوهش های مشاوره**، ۱۸(۷۲)
- صوفی، محمدرشید(۱۳۸۹). «تحلیل نشانه شناختی بازنمایی هویت کردی در سینمای ایران بعد از انقلاب ۵۷»، **پایان نامه کارشناسی ارشدارتباطات** ، تهران: دانشگاه تهران.
- طاری، اسد و جباری، سعیدو قوانلو قاجار، مصطفی(۱۳۸۸)«مطالعه بازنمایی چهره معلولان در ۲۰ فیلم سینمایی ایرانی و خارجی»، **کانون پژوهش های علوم ارتباطات اجتماعی**، ج اول، ش اول.
- فیسک، جان (۱۳۹۰)."فرهنگ تلویزیون"، ترجمه مژگان برومند، ارغنون، شماره ۱۹، ۱۴۲-۲۵.
- گیدنز،آنتونی. دبلیو ساتن، فیلیپ(۱۳۹۵). «جامعه شناسی»، ترجمه هوشنگ نائبی، نشر نی،جلد ۱.
- محمدی،فردین و خالق پناه، کمال(۱۳۹۶).« بازنمایی سریال های تلویزیونی و برساخت گفتمانی خانواده»، **مجله علوم اجتماعی**، دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۷۳-۱۰۳
- مهدی زاده، مهدی(۱۳۸۷). «رسانه ها و بازنمایی»، **دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها**. تهران

- محمدی،جمال و پیری، صدیقه و غریبی، بختیار(۱۴۰۰).«تحلیل نشانه شناختی بازنمایی خانواده درمجموعه های داستانی سریال »، **فصلنامه علمی رسانه های دیداری و شنیداری**، دوره شانزدهم، شماره ۲، پیاپی ۴۲، تابستان ۱۴۰۱،صص ۲۸-۵
- مراد نژاد، زینب و همکاران (۱۴۰۱)، «استراتژی‌های زنان ایرانی جهت ورود به عرصهٔ سیاست و مواجهه با امر سیاسی»، **فصلنامه زن در توسعه و سیاست**، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۳۱۴-۲۸۷.
- مک کوایل، دنیس.(۱۳۸۲). «درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی »، ترجمه: پرویز اجلالی، تهران: **مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها**.
- نوری، مختار و حسن پور، علی و محمدی صادق (۱۳۹۳). «بازنمایی هویت ملی به عنوان امر سیاسی در مجموعه های تاریخی تلویزیون جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه رسانه**، سال بیست و ششم، شماره ۲.
- نیک گهر، عبد الحسین (۱۳۵۲)،« مشارکت مفاهیم و شناخت انواع»، **مجله دانشکده علوم اجتماعی** ،دانشگاه تهران، ش۵
- ویلیامز،کوین (۱۳۸۶). « درک تئوری رسانه ها»، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، **انتشارات ساقی**.
- وحیدی، الهام (۱۳۹۷)،« الگویابی مشارکت سیاسی زنان در ایران»، **رسالهٔ دکتری دانشگاه تربیت مدرس**.
- Ahmadi, Babak. (1384) "Image signs to text, towards the semiotics of visual communication", fifth edition, Tehran, publishing center. (In Persian)
- Alexander, Victoria D.(2003). Sociology of the Arts. Londan: Blackwell publishing.
- Berger, Peter. Lagman, Thomas (1375). "The social construction of reality: (a treatise in the sociology of cognition)", translated by Fariborz. (In Persian)
- Giddens, Anthony. W Sutton, Philip (2015). "Sociology", translated by Hoshang Naibi, Ni publication, volume 1. (In Persian)
- Mohammadi, Fardin and Khaliqpanah, Kamal (2016). "Representation of television series and discursive construction of family", Journal of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, pp. 103-73. (In Persian)
- Mehdizadeh, Mehdi (1387). "Media and Representation", Bureau of Media Studies and Development. Tehran. (In Persian)
- Mohammadi, Jamal and Piri, Sediqeh and Gharibi, Bakhtiar (1400). "Semiotic analysis of family representation in serial fiction collections", scientific quarterly of visual and audio media, 16th volume, number 2, series 42, summer 1401, pp. 28-5. (In Persian)
- Murad Nejad, Zainab et al. (1401), "Strategies of Iranian women to enter the political arena and face the political issue", Women in Development and Politics Quarterly, Volume 21, Number 2, pp. 287-314. (In Persian)
- McQuail, Denis. (2012). "Introduction to the theory of mass communication", translation: Parviz Ajjali, Tehran: Center for Media Studies and Research. (In Persian)

- Nouri, Mukhtar and Hasanpour, Ali and Mohammadi Sadegh (2013). "Representation of national identity as a political matter in the historical television series of the Islamic Republic of Iran", Media Quarterly, year 26, number 2. (In Persian)
- Nik Gohar, Abdul Hossein (1352), "Participation of Concepts and Recognition of Types", Journal of Faculty of Social Sciences, University of Tehran, No. 5. (In Persian)
- Williams, Kevin (2016). "Understanding Media Theory", translated by Rahim Ghasemian, Tehran, Saqi Publications. (In Persian)
- Vahidi, Elham (2017), "Pattern of women's political participation in Iran", doctoral dissertation of Tarbiat Modares University. (In Persian)
- Hall, Stuart (1973). Encoding and Decoding in the Television Discourse. Birmingham: Center for Contemporary Cultural Studies. (In Persian)
- Hosseini, Seideh Zainab (1400), "How to represent the family in Iranian television series (a case study of the Satais series)", Master's thesis, Ayat A... Borujerdi University. (In Persian)
- Rezaei, Abdul Ali, (2008). "Social participation, goal with means of development", political and economic information monthly. (In Persian)
- Seifi Depo Kalaei, Masoumeh. (2016) "Critical examination of the representation of women in the image of the Islamic Republic of Iran based on the teachings of the Holy Quran". Doctoral dissertation, Imam Reza International University (AS). (In Persian)
- Saeedi, Milad and Dehdasht, Kausar (2018). "Semiotic analysis of the family in Iranian cinema of the 70s and 90s", Consulting Research Quarterly, 18(72). (In Persian)
- Sufi, Mohammad Rashid (1389). "Semiotic analysis of the representation of Kurdish identity in Iranian cinema after the 1957 revolution", master's thesis in communication, Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Tari, Asad and Jabari, Saidu Qwanlu Qajar, Mustafa (2008) "Study of the representation of disabled people's faces in 20 Iranian and foreign movies", Social Communication Science Research Center, vol. 1, vol. 1. (In Persian)
- Fiske, John (2018). "TV Culture", translated by Mozhgan Broumand, Organon, No. 19, 25-142. (In Persian)
- Stevenson, Nick, (1995). Understanding media culture, London: Sage(In Persian)
- Stevenson, Nick,(1995). Understanding media culture, London :Sage